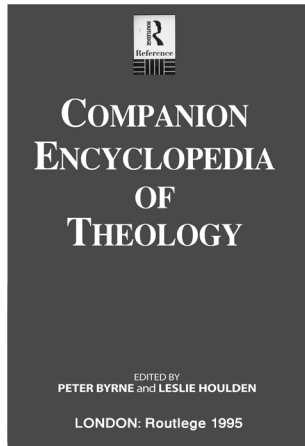




مجموعه مقالات  
دفتر نخست  
الاهیات جدید مسیحی

این اثر، ترجمه‌ای است از بیست مقاله کتاب؛



سرشناسه	: مجموعه مقالات
عنوان و نام پدیدآور	: الاهیات جدید مسیحی، مجموعه مقالات / نویسنده: جمعی از نویسندگان؛ ترجمه: جمعی از مترجمان
مشخصات نشر	: قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۶۷۲ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۶۱.
شابک	: ۷-۵۶-۸۰۹۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
یادداشت	: کتاب حاضر گزیده‌ای از مقالات کتاب به ویراستاری پیتربایرن ولسلی هولدن است.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: عنوان به انگلیسی: Companion Encyclopedia of Theology
یادداشت	: چاپ دوم، پاییز ۱۴۰۳
موضوع	: مسیحیت، کلام، تاریخ، قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	: بایرن، پیترب، ۱۹۵۰- ویراستار
شناسه افزوده	: هولدن، لسللی، ۱۹۲۹- ویراستار
شناسه افزوده	: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
شناسه افزوده	: دانشگاه ادیان و مذاهب.
شناسه افزوده	: دانشگاه ادیان و مذاهب. معاونت پژوهشی.
رده بندی کنگره	: BP ۱۱۸/م۳
رده بندی دیویی	: ۲۳۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۸۸۴۲۷

# مجموعه مقالات

دفتر نخست

## الاهیات جدید مسیحی

جمعی از نویسندگان

جمعی از مترجمان



انتشارات نگاه ادیان مذهب

معاونت پژوهش

۱۴۰۳



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.  
تلفن: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۱۷۱  
همراه: ۰۹۱۲۷۵۴۵۷۷۸  
فروشگاه اینترنتی:

[www.Adyanpub.com](http://www.Adyanpub.com) @Libadyan

### مجموعه مقالات؛ دفتر نخست: الاهیات جدید مسیحی

- نویسنده: جمعی از نویسندگان
- مترجم: جمعی از مترجمان
- ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- نوبت چاپ: دوم، پاییز ۱۴۰۳
- چاپ: مؤسسه بوستان کتاب
- طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار
- شمارگان: ۳۰۰ نسخه
- مرجع قیمت: وبسایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹۰-۵۶-۷

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

## به نام خداوند جان و خرد

مجموعه حاضر، گزیده‌ای است از مقالات کتاب ارزشمند *Companion Encyclopedia of Theology* به ویراستاری پیتر بایرن و لسلی هولدن، از صاحب‌نظران بنام این رشته، که در سال ۱۹۹۵ توسط انتشارات راتلج منتشر شده است. این کتاب، همان‌گونه که از عنوانش پیداست، دائرةالمعارف موجز و فشرده‌ای است که هدف آن، آشنایی خوانندگان با الاهیات جدید مسیحی است. این مجموعه حاوی ۴۸ مقاله است که در شش بخش تنظیم شده است: کتاب مقدس عبری و مسیحی، سنت، سهم فلسفه، معنویت، الاهیات عملی، و وضعیت الاهیات مسیحی در حال و آینده. مطالب ارائه شده در این مقالات، بسیار فشرده و تا حدی سنگین و دیریاب است و همین امر شکیبایی خواننده را جهت فهم بیشتر محتوای مقاله می‌طلبد. آنچه از این مجموعه ارائه شده، تنها بیست مقاله از کل مقالات این کتاب است که پیش‌تر تعدادی از آنها در مجله تخصصی هفت آسمان منتشر شده بود. مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب نهایت سپاس خود را از مترجمان اثر - اعضای هیأت علمی دانشگاه -، مقابله‌گران - به‌ویژه آقای دکتر رضا گندمی در تصحیح و ویرایش علمی ادبی شش مقاله نخست - و ویراستاران آن ابراز می‌دارد و امیدوار است بتواند ترجمه کامل همه مقالات را در آینده در دسترس خوانندگان عزیز قرار دهد.

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب



## فهرست مطالب

۹	مقدمه عمومی
۱۵	مقدمه بخش نخست
۲۳	۱. کتاب مقدس عبرانی: شکل‌گیری و ویژگی‌ها جان بارتون/حمیدرضا فرزین
۵۷	۲. نقش کتاب مقدس عبری در یهودیت گری گیلبرت و آلن اف. سگال/باقر طالبی دارابی
۸۵	۳. عهد قدیم: مطالعه تاریخی و نقش‌های جدید جان راجرسون/عبدالرحیم سلیمانی
۱۱۷	۴. عهد جدید: محتوا و شکل لسلی هولدن/محمدحسن محمدی مظفر
۱۴۵	۵. عهد جدید: سنت تفسیر ژان مودیمن/بهرروز حدادی
۱۷۵	۶. عهد جدید در الاهیات هیکی رایسان/حسن قنبری
۲۰۵	۷. عهدین همچون کتاب مقدس استیفن پریکت/محمدتقی انصاری پور
۲۳۵	۸. خدای سه‌گانه در کتاب مقدس و ظهور راست‌دینی رابرت ال. ویلکن/الیاس عارفزاده
۲۶۳	۹. الاهیات طبیعی دیوید ای. پابلین/احمدرضا مفتاح
۳۰۱	۱۰. ویژگی و امکان الاهیات مسیحی در روزگار ما جان کنت/محمدرضا بیات

۳۳۵	۱۱. الاهیات در زمان حاضر.....	کیت کلمنتز/مهراب صادق نیا
۳۶۵	۱۲. انتقال به مدرنیته .....	آلیستر مک‌گراث/محمدتقی انصاری پور
۳۹۷	۱۳. الاهیات و فهم علمی .....	پیتر بایرن/رضاگندمی
۴۲۷	۱۴. الاهیات به سبک داستان .....	برایان هورن/شهاب‌الدین وحیدی
۴۵۳	۱۵. چهره عیسی مسیح در مسیحیت معاصر.....	جان مک‌کواری/بهروز حدادی
۴۸۵	۱۶. درک معنای خدا.....	تئودور جنینگز/محمدحسن محمدی مظفر
۵۱۷	۱۷. تجربه کشیشی .....	جک دومینین/شهاب‌الدین وحیدی
۵۵۳	۱۸. معنویت و الاهیات .....	فیلیپ شلدراک/حسن قنبری
۵۸۵	۱۹. معنویت و عبادت.....	گوردن اس. ویکفیلد/محمدحسن محمدی مظفر
۶۱۹	۲۰. اخلاق زیست‌محیطی .....	استفن کلارک/محمدحسن محمدی مظفر
۶۶۵	نمایه .....	



### مقدمه عمومی

هدف این دائرةالمعارف کوچک، فراهم آوردن راهنمایی هر چه فراگیرتر برای وضعیت کنونی الاهیات مسیحی در دانشگاه‌های مغرب‌زمین و در جهان جدید است. برای فهم حال، باید از گذشته آگاه باشیم، به‌ویژه در مورد پدیدهٔ دیرپایی همچون مسیحیت. به همین روی، علاوه بر تأملات و برآوردهای امروزی، مقدار زیادی تاریخ هم در کار خواهیم آورد.

همکاران این مجموعه در سنت‌های اعتقادی و فکری بسیار متفاوتی رشد کرده‌اند، اما همه از بصیرت و سیعی در پیش‌فرض‌ها و روش‌های نظام دانشگاهی جدید غربی برخوردارند و نوشته‌هایشان همه تحلیل‌گرانه است نه تبلیغاتی. هیچ تلاشی برای دستیابی به دیدگاهی خاص و یا تحمیل و القای آن صورت نمی‌گیرد و خواننده بارها خود را با زوایای مختلف امری واحد مواجه خواهد یافت؛ نیز به ناچار از برخی جنبه‌ها چندبار سخن خواهد رفت، و از همهٔ آنها مهم‌تر روشنگری قرن هیجده. دست‌کم اهمیت اساسی این دوره، که از دیدگاهی جدید از بسیاری جهات حتی از برههٔ آغازین آن و یا از دوران اصلاحات دینی هم مهم‌تر است، برای خوانندگان آشکار خواهد شد. اما در عین حال باید دانست الاهیات مسیحی، هر قدر هم که تحولات یا کاربردهای جدید یافته باشد، رشتهٔ جان از سرچشمه‌ای که عیسای ناصری گشوده بود، نبریده است. و رای هر آنچه در اندیشه‌ها و کتاب‌ها می‌آید، باز هم داستان شکل‌گرفته بر محور عیسا است که همچنان مبنای الاهیات مسیحی است.

الاهیات مسیحی جدید هرگز پدیده‌ای یگانه و یکدست نیست (و فراموش نمی‌کنیم که هر چه در این کتاب بیاید نیز دیدگاه‌هایی «جدید» خواهد بود، حتی در باب نوشته‌ها

و اندیشه‌های مربوط به گذشته‌های دور). اول از همه، به خاطر تفاوت‌های مهمی که در میان برنامه‌ها و اهداف، دلمشغولی‌ها، اولویت‌ها، و سرانجام درون‌مایه‌های کلیساهای مختلف مسیحی، از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین آنها، وجود دارد؛ و به خاطر تفاوت‌های داخلی مهمی که به‌ویژه در مورد کلیسای بزرگ مطرح است و ریشه در تاریخ و نیز نهضت‌های فکری و اجتماعی آنها دارد.

دیگر آنکه الاهیات به تناسب جایگاهی که در آن مطرح یا از آن استفاده می‌شود، از سبک‌ها تأکیدهای متفاوتی برخوردار است؛ برای مثال، در محیط زندگی کلیسایی و یا در مدرسه یا دانشگاه. در کلیسا معمولاً بر مرجعیت و تبعیت تأکید می‌شود و گرایش به صورت‌ها و ساخت‌هایی وجود دارد که غالباً در محیط دانشگاهی نامناسب تلقی می‌شود. مسائل مربوط به نظام و مقررات کلیسایی معمولاً در مباحث الاهیاتی ارائه شده در کلیساهای مطرح می‌شوند و پاسخ‌ها نیز غالباً رنگ جزئی و اعتقادی به خود می‌گیرند. اما در مدارس و آموزشگاه‌ها برنامه‌های الاهیاتی معمولاً به‌طور کلی با گرایش‌های جامعه‌همخوان می‌شوند و در نتیجه، می‌بینید که به ادیان جهانی، به مشترکات آنها یا به موضوعات اخلاقی روز روی می‌آورند. نیز در چنین محیط‌هایی است که معمولاً، تحت تأثیر دولت یا فشار جامعه، ضرورت واکنش به خواسته‌های فوری اجتماع مطرح می‌شود. در مورد مباحث الاهیاتی متناسب با محیط‌های دانشگاهی، که این کتاب نیز عمدتاً و اصولاً بر آنها متمرکز است، وضعیت سومی داریم که از دو وضعیت پیش‌گفته کاملاً متمایز است؛ حتی اگر هر یک از کسانی که آن مباحث را ارائه می‌دهند، از التزام وافر به کلیسا یا توجه خاصی به نیاز مدارس برخوردار باشند. در این وضعیت، فضای غالب به دست محیط سکولار و غیردینی دانشگاه‌هاست که محصول مغرب‌زمین‌اند و به رغم اختلافات منطقه‌ای گوناگون این فضا سلطه زیادی در آنها دارد. در حالی که ممکن است به راحتی ایدئولوژی‌های ناپذیرفته‌ای در این محیط وجود داشته باشند (که گاه نیز فوران شدیدی پیدا می‌کنند، مانند آنچه در جهان ادبیات جهان شاهدیم) اما موضع شایع و واضح آنها کاملاً غیرجانبدارانه است و هر آنچه را انگ فرقه‌گرایی یا تبلیغات به خود می‌گیرد پس می‌زند. از همین روست که می‌بینیم گذشته‌های سیاه کلیساهای مختلف به‌ندرت به محاق فراموشی می‌افتد و یا تلاش‌های الاهیات برای جلوه‌گری در قالب‌های اصلاح شده همیشه اعتماد نمی‌آورد. تأکید دانشگاه بر بازبودن و

پذیرایی است و برآورد نقادانه تمامی اندیشه‌ها، هر قدر هم محترم یا هرچند هم (گاه به ظاهر) پیش‌پافتاده باشد. و شریف‌تر از آن اینکه جست‌وجوی حقیقت، که به ذات خود اصولاً پایانی نمی‌پذیرد و دشمن قابلیت‌های دیگر هرگز نیست، شاخصه بارز آن است. باری تردیدی نیست که به رغم بدبباری‌ها و قصورها در نفوذ به محیط‌های غیردانشگاهی به اندازه دلخواه یا مورد انتظار، این نحوه‌ی الهیات‌ورزی توانسته است در کاهش تعصبات و پرورش درک آدمیان بسیار مؤثر افتد. به عنوان نمونه، می‌توان به تقبیح نوعی یهودستیزی اشاره کرد که در سیر مطالعات عهد جدید در دانشگاه‌های مدرن صورت می‌گیرد. در نتیجه این تقبیح دست‌کم تا حدی، تصویر معتدل‌تری از یهودیت که عیسی می‌شناخت و در فضای آن زندگی می‌کرد به دست آورده‌ایم. همچنین می‌توان به نهضت وحدت فراگیر کلیساها اشاره کرد که در نتیجه آن، مسیحیانی با پیشین‌های پر از جنگ و جدال به دنبال فهم بیشتر موقعیت‌های تاریخی یکدیگر برآمدند و در نتیجه امروزه از روابط بهتری برخوردارند.

اما اگر محیط دانشگاه را از درون بررسی کنیم، بی‌تردید خواهیم دید که الهیات در آن از وضعیت متنوع و پیچیده‌ای برخوردار است؛ زیرا گرایش‌های بسیار مختلف، و گاه حتی ناسازگاری، دارد. خوب است توجه کنیم که حتی در نهادهای دینی آموزشی غیرابتدایی متعددی که آموزگاران‌شان معمولاً در دانشگاه‌ها درس خوانده‌اند، به این پیچیدگی و تنوع آرا کم‌وبیش حساسیت نشان می‌دهند. الهیات پیش از هر چیز به محیط دانشگاهی سکولار مدرن که اقامتگاه و پرورشگاه آن محسوب می‌شود وامدار است. این «پرورش‌دهنده» حقیقتاً ممکن است از بسیاری جهات - همچنان که مشهود بوده است - مهربانی و لطف پیشه کند اما می‌تواند ویرانگر و فرساینده هم باشد، زیرا محیط سکولار دانشگاه هیچ‌گونه توجه یا علاقه‌ای به ادعاهای مربوط به خدا یا «آن» وجود به کلی دیگر» که قلب‌تپنده‌ی علائق الهیات یا، به قول بسیاری، تنها آبشخور جان آن است ندارد. به بیان دیگر، الهیات هر اندازه غیرجانبدار و منتقد هم باشد، باز نمی‌تواند به سطح مفاهیم کاملاً غیردینی بیاید، مثلاً در «حد مطالعه دین» به عنوان پدیده‌ای در زندگی آدمیان و در کنار پدیده‌های دیگری مانند ورزش یا کار. الهیات به آشکاری تمام اعلام می‌دارد که دلمشغولی‌اش وجود مقدس است، و نه تنها حضور او در جهان را از همه چیزهای دیگر مهم‌تر می‌داند بلکه مدعیات او را - خواه صادق خواه

کاذب - با مدعیات هیچ نقش‌آفرین دیگری در این جهان و از هیچ نوع یا درجه‌ای قابل مقایسه نمی‌بیند. الاهیات مسیحی هم بی‌تردید تشخیص و تعیین خاص خود را دارد، اما اصل مسئله در همین امر است و همین تعیینات است که در محیط مدرن دانشگاه، آمیزه غریبی از آرامش و اضطراب را به الاهیات تزریق می‌کند. خود دانشگاه هم به رغم مدارای گسترده‌ای که نشان می‌دهد گهگاه، اگرچه کمتر از حد انتظار، این وضعیت را به رسمیت می‌شناسد. همین نکته را می‌توان در سطحی شخصی‌تر بیان داشت: هم سخت است و هم غیرعادی اگر بخواهیم در حالی که می‌دانیم خود (خواه به وجود ذهنی و خواه به وجوه عینی) موجودی در دستان خدا هستیم، او را شیئی در دستان خود بدانیم و به مطالعه او بپردازیم. باری، همین که الاهیات مسیحی خدا را همزمان راز نایاب جهان و در عین حال شدیداً دست‌اندرکار امور جهان می‌شمارد، راه‌هایی برای برون‌شدن از مشکلات پیش روی می‌گشاید.

این همه گفتیم تا بگوییم که الاهیات نه تنها به دانشگاه وفادار است بلکه به سنت مسیحی نیز؛ و حتی شاید در برخی مواضع به سنتی که مثلاً هم‌اینک در فلان کلیسای خاص تبلور یافته است. اما باید دانست که بخش عمده این سنت که تحمیل آموزه‌هایش را مجاز می‌شمرد و حتی اغلب برای اعمال آن به زور هم متوسل می‌شود، در شرایطی شکل گرفته و تبیین شده که از محیط‌های دانشگاهی جدید دوره پسا‌روشنگری بسیار متفاوت بوده است. مسئله فقط این نیست که نادیده گرفتن چنین میراثی هنوز هم گاه ساده نیست (مثلاً هنگامی که یک مدرسه دینی از یک دانشگاه می‌خواهد که تأییدش کند؛ اگرچه هیچ‌یک از طرفین در ابهام‌آفرینی در مباحث دست‌کمی از دیگری ندارد؛ حافظه جمعی هم که اغلب ضعیف‌تر از آن است که انتظار می‌رود!) قضیه پیچیده‌تر از اینهاست: میراث یادشده حتی خود را ملزم می‌بیند که تحقیقات در حوزه‌های کتاب مقدس و سنت را به رنگ خویش درآورد، و حتی به عموم بحث‌های انتقادی هم، و احتمالاً به ظرافت تمام، نفوذ کند.

این کتاب بیشتر درباره «اندیشه‌ها» است تا «واقعیت‌ها»؛ بنابراین اگرچه بدون تکلف نمی‌توان این دو را کاملاً از هم جدا کرد اما باید بگوییم تحقیقاتی که در این کتاب می‌بینید، درباره جنبه‌های اجتماعی مسیحیت و کلیساهای مختلف آن و از جمله مثلاً درباره پراکندگی، جلوه‌های عبادی یا نهادهای آنها نخواهد بود؛ بلکه بازتابی است از

نظام‌های فکری مختلفی که در طی قرون برآمده‌اند تا جنبه‌های مختلف الاهیات را مورد توجه و بررسی قرار دهند. در این کتاب، به وضوح تمام، خواهید دید که الاهیات هم اینک چه حیطه غنی و پرتنوعی است و در واقع، دیرزمانی است که چنین بوده است. برخی از بخش‌های این کتاب، خواه مربوط به دوره‌ای از یک اندیشه قدیمی و خواه مربوط به وضعیت جدید یک حوزه تحقیقاتی، عمدتاً توصیفی‌اند. اما بخش‌های دیگری در کتاب، بلندپروازی بیشتری به خرج داده‌اند و به طرح راه‌های جدیدی در برآورد موضوعات در دست بررسی پرداخته، توجه ما را به پیشرفت‌ها و تحولات ممکن و حتی مطلوب آینده جلب می‌کنند. به هر روی، در تمام موارد تلاش‌ها بر آن بوده است که از حدّ ارائه مجموعه‌ای از اطلاعات صرف فراتر رویم. اما اگرچه به‌طور طبیعی مقدار قابل توجهی اطلاعات ضروری در اینجا ارائه شده، نباید پنداشت که این مجموعه کامل است. در واقع، نویسندگان کوشیده‌اند در کنار آموزش، به برانگیزش ذهن خواننده نیز روی آورند، و به جای ارائه انبوهی داده‌های خام، خواسته‌اند الگوهای فراگیرتری برای فهم پیشنهاد کنند. کتاب پیش رو شش فصل در خود دارد. سه فصل نخست به حیطه‌های اصلی و بنیادین تأملات الاهیات مسیحی می‌پردازند: یعنی به حوزه‌های کتاب مقدس، سنت مسیحی، و سهم و نفوذ فلسفه، به‌ویژه در دوران جدید. اگرچه تمایز قطعی نمی‌توان نهاد اما در سه فصل دیگر بیشتر به جنبه‌های کاربردی پرداخته شده است: در ارتباط با معنویت، با اخلاقیات، و سرانجام موضوعات مطرح در نظریه‌پردازی‌های الیهاتی امروزی و ابعاد مختلف آن نظریه‌پردازی‌ها.

ویراستاران اثر قدردان زحمات نویسندگان این مجموعه و نیز ارج‌گزار همکاری‌های آنان و ناشرانشان، به‌ویژه جان‌اتان پرایس،<sup>۱</sup> پیشنهاددهنده این پروژه اینک به بار نشسته، و ست دنبو<sup>۲</sup> و کالویل و میس<sup>۳</sup> و لزلی هولدن و پیتر بایرن هستند.

1. Jonathan Price

2. Seth Denbo

3. Colville Wemyss



### مقدمه بخش نخست

بحث مفیدی است که ببینیم آیا بررسی اندیشه مسیحی را باید با کتاب مقدس شروع کنیم یا با سنت. این مسئله عموماً و گاه به شکل نپخته‌ای وجه تمایز عناصر پروتستانی جهان مسیحیت از عناصر کاتولیکی آن از سویی، و عناصر ارتدوکس شرقی آن از سوی دیگر دانسته شده است. البته قضیه به این سادگی نیست: هیچ جماعت مسیحی‌ای نمی‌پسندد که مستقل از کتاب مقدس و بی‌اعتنا به سیطره فراگیر آن تصویر شود و یا خود را از آنچه سنت معتبر می‌داندش، برکنار شمرد. این واقعیت که آنها به رغم آن مبنای مشترک می‌توانند تا این اندازه مخالف‌خوانی کنند، به سادگی تمام نشان می‌دهد که کتاب مقدس و سنت، پذیرای تفسیرهای کاملاً مختلفی هستند. معقول نخواهد بود اگر انتظار داشته باشیم این دو مجموعه مفصل، که یکی صورت نوشته‌ای خاص به خود گرفته و دیگری در گستره چندگانه مواد، مفاهیم و انسان‌های مختلف تبلور یافته است، برای کسانی که همه چیز خود را بر پایه آنها قرار می‌دادند رهنمودهای ساده و سرراستی ارائه کرده باشد.

واقعیت غیرقابل انکار این است که همیشه میان کتاب مقدس و سنت تعامل و تداخل پیچیده‌ای وجود داشته است. از یک نگاه، کتاب مقدس آنچنان که مسیحیان دریافت داشته‌اند، خود محصول سنت است و اگرچه در مجموعه داستان مسیحیت عنصری شاخص به حساب می‌آید، اما تنها یک عنصر در کنار دیگر عناصر آن است. با اینکه بخش بزرگ کتاب مقدس (یعنی عهد عتیق) از یهودیت به ارث رسیده، اجزای آن کتاب در سنت اولیه مسیحی ترتیبی یافتند که از اهمیتی مسیحی، و نه یهودی، برخوردار است. نوشته‌هایی هم که از ابتدا مسیحی بودند (یعنی عهد جدید) به یک اندازه هم سازنده

مسیحیت اولیه و هم میراث به یادگار مانده آن به شمار آمده‌اند، یعنی در واقع محصول سنت‌اند. در این معنای بنیادین، تقدم با سنت است.

اما از دیدگاهی دیگر، کتاب مقدس در مسیحیت جایگاهی معیار داشته و هیچ چیز هم‌پایه آن نبوده است. اگرچه به لحاظ واقع می‌توان گفت حامل و پیش‌برنده عمده مسیحیت در طول تاریخ همان تبلورها و شکل‌دهنده‌های ایمان مسیحی یا اعتقادنامه‌ها و آیین‌های عشای ربانی بوده‌اند که در عین اختصار و سادگی، به خاطر آنکه در موقعیت‌های مختلف بسیار تکرار شده‌اند، تأثیر بسیار بزرگی گذاشته‌اند و اگرچه اغلب جماعت‌های مسیحی برای آن ساخت‌های ایمانی احترام شدیدی قائل بوده‌اند، باز هم احترام و دل‌سپردگی آنان به کتاب مقدس همیشه بی‌بدیل مانده است. هر اندازه نحوه استفاده از کتاب مقدس (برای ما) عجیب یا ناقص و نسبی جلوه کند، باز باید گفت فصل‌الخطاب و مرجع برای صاحبان آرا و عقاید، و منبع استخراج اصول برای آنان کتاب مقدس بوده است. کتاب مقدس مرجعی بوده که ملاحظه کلمه به کلمه آن ضرورت داشته و کتابی است که مسیحیان عمدتاً برای راهنمایی و پرورش دینی، مستقیم یا غیرمستقیم، همیشه به آن مراجعه می‌کردند.

باری، اینجا در مجموعه‌ای که پیش رو دارید مباحث مربوط به کتاب مقدس تنها به این دلیل در رتبه نخست آورده نشده‌اند که کتاب مقدس آشکارا در مسیحیت نقشی عمده، مشهور، و «برجسته» داشته است. به این دلیل هم نیست که وقت داوری میان تقدم یکی در حجیت و اعتبار، کتاب مقدس را مقدم شمرده‌ایم. چنین داوری‌هایی در محدوده این بخش کوتاه امری است شتابزده و ناپخته، و به هر روی در کتابی دانشگاهی مانند این کاری است ناشایست. آنچه در اینجا مطرح بود نکته‌ای ساده‌تر است: این داده تاریخی روشن - که مهم‌ترین پیونددهنده موجود مسیحیت با پیشینه‌های باستانی یهودی آن، و در حقیقت با هم‌عصران یهودی آن در طول تاریخ، که همیشه ارتباطش با آنها پیچیده، مسئله‌دار، و اغلب پر آشوب یا بسیار رسوا بوده است - کتاب مقدس، در شکل عهدعتیق، است. دست‌کم از این لحاظ، هر پژوهش نظام‌مندی در مورد اندیشه مسیحی، کتاب مقدس را در رتبه نخست توجه خویش خواهد داشت.

تا حدی نیز کتاب مقدس یک مانع است که باید آن را دور زد، و به هر حال باید با احتیاط به آن پرداخت؛ زیرا چیزهای دیگر بسیاری که در اندیشه مسیحی وجود دارند،



آنچنان به راحتی و فراوانی (و از همان آغاز، و حتی آنگاه که خود کتاب مقدس ظاهراً منشأ آن بوده است) به قالب‌های انتزاعی و فلسفی درآمده‌اند که کتاب مقدس تا آنجا که جهان‌فکری آن مدّ نظر است، صرف‌نظر از مدعیات و شواهد مختلف، به خاطر زبان کاملاً متفاوت و عمدتاً داستانی و شعری‌اش بسیار مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. رویکردهای تاریخی به کتاب مقدس که در قرون اخیر پیدا شده، به خوبی آشکار ساخته‌اند که کتاب مقدس به رغم استفاده بی‌حساب و حتی تعصب‌آلود بسیاری محافل مسیحی از آن، از بسیاری جهات به کتابی نامأنوس تبدیل شده است؛ یعنی همیشه برای استفاده، دم‌دست بوده و طبعاً مورد استفاده نادرست قرار گرفته، اما در عین حال اغلب همچون شیئی گران‌قدری دورادور احترام شده است ولی از نزدیک مورد بررسی نبوده، مبادا که بیان اصیل آن، حتی وقتی عاقلانه فهم شود، بسی ورای توان عملی ما انسان‌ها برای پذیرش و به‌کارگیری آن از آب درآید.

فصل‌هایی که به دنبال می‌آیند، با توجه به چنین زمینه‌هایی باید خوانده شوند. فصل اول گزارش است از پیراستن و آراستن کتاب مقدس عبری در وضعیت پیچیده و طولانی گردآوری آن به عنوان مجموعه معیاری از نوشته‌های مقدس. اما جان بارتون در این فصل بیش از این ارائه می‌کند. وی با جلب توجه ما به این نکته که پیشینه و زمینه به وجود آمدن آن نوشته‌ها، گستره بزرگ و گوناگونی بسیاری داشته، به صورت ضمنی نیز به نامأنوسی کتاب مقدس در چشم علائق همه خوانندگان و استفاده‌کنندگان بعدی اشاره دارد؛ یعنی همه آنهایی که، هر یک در حال و هوای خاص خود، نوشته‌های مقدس را به عنوان سخنان خدا و به سوی تشکیل مجموعه‌ای قانونی و رسمی گردآوری می‌کردند و به آنها اعتبار می‌بخشیدند. با مطالعه این داستان، بی‌تردید جسارت و بی‌پروایی (غیرعمدی) بازیگران این مرحله را با تمام وجود حس خواهید کرد. این مرحله گامی است که هر دو میراث‌دار عمده برداشته‌اند؛ از آغازین مراحل آن، آنچنان که بارتون برای ما معرفی می‌کند، تا اولین کش‌وقوس‌هایی که در مسیر یهودی آن جریان رخ داده است؛ یعنی در خلال دوره‌ای که یهودیت و مسیحیت با پذیرش کتاب مقدس به عنوان مرجع معتبر و عمده خویش و با اطمینان بسیار به روش‌های مطلوبی که خود در تفسیر آن داشتند، دو اردوگاه متقابل را تدارک می‌دیدند که از آن همدیگر را در رصد داشتند و گاه‌به‌گاه آتش به روی هم می‌گشودند؛ امری که حتی تا همین اواخر نیز عمدتاً بدون درک

فراگیری از نوع قرائتی که هریک از طرفین از میراث مکتوب مقدس و مشترکشان داشتند، یا حتی بدون توجه و عنایتی به آن قرائت، در جریان بود. می‌توان گفت تحقیقات غیر «جانبدارانه» دانشگاهی در سالیان اخیر، دست‌کم مبنای مشترک سودمندی برای برخی یهودیان و بعضی مسیحیان فراهم آورده است.

در فصل سوم خطوط کلی تحولات تفسیر مسیحی در دوره‌های پدران کلیسا و قرون وسطا که با جریان اصلی تفسیر یهودی کتاب مقدس متناظر است ترسیم می‌شود. این نوع از تفسیر با روش اصلی تفسیر یهودی تفاوت بسیار دارد، اما با کمال تعجب می‌بینیم که مقدار زیادی وامدار شاخه فیلونی یهودیت اسکندرانی قرن اول است که یهودیت، خود پس از اندکی با نادیده گرفتن یا کنار گذاشتن آن، از آن بی‌بهره ماند و در نتیجه امکان زیاد پیدایش زبان مشترکی که با آن هر دو دیانت احتمالاً (و بالاخره شاید به نحوی از انحاء) می‌توانستند نوشته‌های مشترکشان را تفسیر کنند، از دست رفت.

تحقیقات تاریخی جدید (یعنی دوران پساروشنگری) درباره کتاب عهد عتیق، که فصل چهارم عهده‌دار بازگویی داستان آن است، تا حدی گویی نتیجه عکس داده است. این بررسی‌ها آگاهی‌هایی درباره گذشته این کتاب و به‌ویژه در باب منشأ پیدایش آن، که در فصل‌های پیشین وصف آن آمده، در اختیار گذشته است. این تحقیقات در واقع، با این کار به تخریب آرمان‌های الاهیاتی سنتی‌ای پرداخته که مسیحیان و یهودیان کتاب مقدس را برایشان به خدمت می‌گرفتند، چراکه ثابت می‌کند چنان بهره‌گیری‌هایی ناسازگار با تاریخ، دلخواهی یا به هر حال به دور از معیارها و روش تاریخی‌اند. این امر در واقع درباره همه آموزش‌های مبتکرانه و ماهرانه آنها صادق است. اما در عین حال مقاله جان راجسون وضعیت مقابل را نیز به همان اندازه بازتاب می‌دهد: این چالش‌های چاره‌ناپذیری که برای روش‌های سنتی قرائت عهد عتیق به وجود آمده، باعث نشده که مسیحیان این نوشته را رها کنند و به یهودیان واگذارند یا مثلاً اگر از موضعی غیردینی‌تر بگوییم آن را در بوتۀ نسیان تاریخ پیدایش‌اش گذارند. خیر، بلکه دانشوران مسیحی با انواع و اقسام راهبردها از در مقابله با چالش‌ها درآمده‌اند و در عهد عتیق سرچشمه‌های تازه‌ای کشف کرده‌اند که به کار پالایش یا شکل‌دهی دوباره می‌آیند. از این حیث، تفاوتی برایشان نمی‌کند که عهد عتیق را نوشته‌ای مستقل و خودکفا انگارند یا آنکه آن را ارائه‌دهنده مفاهیمی بدانند که مقدر شده تأویل نهایی‌اش، در رفتار عیسی و برداشت

مسیحیان نخستین از او تبلور یابد. انگیزش‌های الاهیاتی عهد عتیق و نیز ویژگی تاریخی غیرقابل انکار آن، هر دو، سهم عمده‌ای در به وجود آمدن اندیشه مسیحی داشته و توجه آن را به میراث عبرانی فراموش شده‌اش بازگردانده‌اند.

سه فصل بعدی به ابعاد مختلف کتاب مقدس عهد جدید می‌پردازند و تا حدی هم‌عنان و هماهنگ با مباحثی که قبلاً درباره عهد عتیق مطرح شد پیش می‌روند. فصل پنجم شکاف و فاصله اساسی موجود میان دو کتاب عهد را، که معمولاً به راحتی به چشم خواننده کتاب مقدس (به عنوان کتابی یکدست) نمی‌آید مورد توجه قرار می‌دهد. از یک لحاظ و در یک سطح، فاصله و شکاف پیش‌گفت مسئله زمان است، همان که در میان دانشمندان به «دوران میانه دو عهد» نامبردار شده و میراث ادبی یهودی آن تا آنجا که از باقیمانده‌های قمران یا جاهای دیگر برمی‌آید، هرگز شأن رسمی و به اصطلاح جنبه کتاب مقدسی به خود نگرفت، اما در عین حال به لحاظ تاریخی در به وجود آمدن جهان فکری‌ای که مسیحیت در آن پیدا شد سهم داشته است. این مساهمت آن قدر مهم است که نادیده گرفتن آن به معنای به هم ریختن تصویر آن جهان فکری خواهد بود. آنچه در اینجا مطرح است، فرهنگ یهودیت قرن اول و از جمله نه تنها داشته‌های ادبی آن، بلکه نیز روش‌هایی است که برای تفسیر آن نوشته‌ها داشته است. این مجموعه، که با متون کتاب مقدس سروکار دارد، حداکثر کاری که می‌کند جلب توجه به چنین عنصری است که از دیدگاه تاریخی اهمیت بسیار دارد.

اما مهم‌تر از مسئله شکاف زمانی در اینجا نوعی فاصله و شکاف عمیق مفهومی نیز وجود دارد. نه تنها نوشته‌های کتاب عهد جدید دنباله بلافاصله و بلاانقطاع نوشته‌های کتاب مقدس عهد عتیق نیستند بلکه اصولاً می‌توان گفت با سازوکار کاملاً متفاوتی به وجود آمده‌اند. از یک لحاظ، این نوشته‌ها درست مانند عهد عتیق گزارش وقایع تاریخی، عقاید و اعمال یک جماعت ایمانی‌اند، البته در محدوده زمانی نسبتاً بسیار کوچک خود. اما از این مهم‌تر، این نوشته‌ها با شکل ادبی متفاوتی که دارند، هر یک در واقع نوعی واکنش به شخصیتی به نام عیسی و حاصل تأمل و تفکر بر کسی است که کارگزار اساسی و همه‌جانبه‌نگر خدا برای نجات آدمیان دانسته می‌شود. این نیرو و حضور شخصی غالب آن، نظیری در عهد عتیق ندارد. در واقع عیسی در عهد عتیق نیز به سرعت به شخصیت غالب تبدیل می‌شود، چراکه عهد عتیق پیشگوی عیسی می‌گردد و

عیسی تحقیق‌بخش پیشگویی‌های عهد عتیق. در اندیشه مسیحی، عیسی چیزی بیش از یک شخصیت یا نقش در یک داستان بلند است؛ او سراسر آن داستان را در قبضه حضور خود گرفته است، از آغاز تا پایان. متواضعانه‌تر بگوییم، اصطلاحات و تصویرسازی‌های عهد عتیق، که به خوبی پروده و سازوار شده‌اند، خود به تنهایی عیسی را معقول و مقبول می‌کنند؛ در واقع، در آن سالیان نخستین، منبع دیگری در دسترس نبوده است.

در فصل ششم، جان مودیمن نشان می‌دهد که از نوشته‌های عهد جدید به عنوان دلیل عقاید مسیحی مربوط به خدا و مسیح در سیر تحولی آنها چه بسیار و تا چه اندازه متنوع استفاده شده است. این بهره‌گیری به مرور زمان پیچیده‌تر می‌شود و در دوره‌های بعدی عمدتاً صورت فلسفی به خود می‌گیرد، در قالب اصطلاحات و مفاهیمی که نه تنها با زبان عهد عتیق، بلکه با اغلب، اگر نه همه، بیانات عهد جدید هم بیگانه است.

آنگاه که به سبب تحقیقات روشن تاریخی و با استفاده از اصل تاریخی بودن تصویرسازی‌ها، فرآیند یادشده خود را به گونه انکارناپذیری نمایان می‌سازد، سؤالات بسیار فوری و مبرمی برای الاهیات اصیل و معیار مسیحی به وجود می‌آید؛ چراکه به نظر می‌رسد برخی اصول و بسیاری بیانات آن الاهیات پس از آگاهی از رگ و ریشه سنتی آنها در کلمات و دلایل متنی عهد جدید، دیگر از قوت و قابلیت چندانی برخوردار نیستند. این مسائل را، که هنوز چندان در بسیاری نظام‌های الاهیاتی و کلیسایی جا باز نکرده‌اند، هئیکلی رایسانن در فصل هفتم و از جنبه‌ای، و اشتفن پریکت در فصل پایانی این بخش و به روشی که اصرار بیشتری بر جنبه‌های کتابی و ادبی آن دارد بررسی کرده‌اند. در اینجا با پرسش‌های عمیقی آشنا می‌شویم که ناشی از به میان آمدن یک «نوشته مقدس» است؛ نوشته مقدسی که اینک دیگر درباره آن و کارکردهایش بسیار می‌دانیم.

بدین ترتیب به پایان این بخش می‌رسیم، اما نه با یک خاتمه بلکه با اشاراتی به آینده؛ آینده‌ای که اندیشه الاهیاتی، به خاطر سلامت و صداقتش هم که شده، بهتر است نادیده‌اش نگیرد. همچنان که بسیاری از این فصل‌ها نشان می‌دهند این آینده‌ای است که، از یک سو، در آن شاهد کنار رفتن سریع کتاب مقدس از میان قوای فرهنگی جامعه در کل، و حتی به لحاظ التزام عملی به آن در برخی بخش‌های بزرگ جهان مسیحیت هستیم، در حالی که از سوی دیگر می‌بینیم که در دانشگاه‌ها مطالعه و تحقیق